



## مسئله وجود مقدس امام زمان(عج) از نظر فلسفی چگونه قابل اثبات است؟

حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی در پایگاه اطلاع رسانی خود در آستانه فرارسیدن میلاد حضرت بقیة‌الله الاعظم به چهار پرسش مهدوی پاسخ گفتند.

حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی در پایگاه اطلاع رسانی خود در آستانه فرارسیدن میلاد حضرت بقیة‌الله الاعظم به چهار پرسش مهدوی پاسخ گفتند.

متن سؤالات و پاسخ ایشان به شرح ذیل است:

1. چگونه می‌توان امام زمان(عج) را شناخت؟

شناخت بر دو قسم است: &#171;شناخت تاریخی&#171; و &#171;شناخت واقعی&#171; که از قسم نخست مهم‌تر است. مسئله مهم این است که ما آن حضرت را به حقیقت بشناسیم و ایشان نیز ما را ببینند؛ نه اینکه ما حضرت را ببینیم.

در زمان پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (که مقامش از همه امامان بالاتر است) عده زیادی آن وجود مبارک را می‌دیدند، اما خدای سبحان درباره آنها فرمود: و تراهم ینظرون إلیک و هم لایبصرون [5]؛ آنها را می‌بینی که به تو می‌نگرند؛ ولی تو را نمی‌بینند. اهل نظر هستند، اما اهل بصیرت نیستند. هنر این است که به گونه‌ای باشیم که وجود مبارک امام زمان(علیه‌السلام) ما را ببینند.

در قرآن کریم آمده است: خدا که بر همه چیز بصیر است، در روز قیامت به عده‌ای نگاه نمی‌کند: ولا یُکلمهم الله و لاینظر إلیهم یومَ القیامة و لایزکیهم [6] و نگاه تشریفی خود را نسبت به عده‌ای اعمال نمی‌کند.

اگر ما در مسیر صحیح حرکت کنیم، آن حضرت ما را می‌بیند.

2. دلیل قرآنی وجود حضرت حُجَّت (عج) چیست؟

مرحوم کلینی (رضوان الله علیه) در کتاب شریف کافی [4] طی بابی از ائمه(علیهم‌السلام) نقل کرده است که به سوره قدر احتجاج کنید، زیرا در سوره قدر آمده است، هر سال لیلة القدری دارد و فرشتگان در شب قدر، هر سال با همراهی روح (جبرئیل سلام الله علیه)، همه احکام و امور را به زمین نازل می‌کنند.

وقتی فرشتگان احکام و امور را به زمین می‌آورند، باید آن را به کسی بسپارند، چون افراد عادی نمی‌توانند میزبان فرشتگان باشند و احکام صادره را تحویل بگیرند، پس تنها کسی که در روی زمین مهمان‌دار فرشتگان و تحویل گیرنده این امور و مقدرات است، وجود مبارک ولی عصر(علیه‌السلام) است، بنابراین با توجه به روایاتی که مرحوم کلینی نقل کرد، از نظر قرآن، در شب قدر که همه فرشتگان به همراهی جبرئیل(سلام الله علیه) یا روح، مقدرات امور را نازل می‌کنند، باید آن را به کسی بسپارند و به او گزارش بدهند؛ گیرنده این امور وجود مبارک ولی عصر(ارواحنا فداه) است.

3. حیات حضرت ولی عصر(علیه‌السلام) از نظر علمی چگونه توجیه می‌شود؟

حیات طولانی امام زمان(علیه‌السلام) بر خلاف عادت است، نه بر خلاف علیّت؛ یعنی به طور عادی کسی نمی‌تواند، هزار یا ده هزار سال زندگی کند؛ اما به صورت غیر عادی (خرق عادت) این کار ممکن است.

دوم. اگر بدانیم انسان چیست و چه کسی بدن او را اداره می‌کند، اصلاً این پرسش برای ما مطرح نمی‌شود؛ برای مثال برای عرفا و حکمای بزرگ، اصلاً چنین پرسشهایی مطرح نمی‌شود.

بنده زمانی به دندانپزشک محترمی مراجعه کردم. او می‌گفت دندانهای بعضی صد سال سالم می‌ماند و نمی‌پوسد؛ ولی اگر فولاد صد سال شب و روز کار کند، فرسوده می‌شود. چون اگر فولاد و آهن فرسوده شود، دیگر چیزی جایگزین آن نمی‌شود؛ اما دندان انسان هر روز عوض می‌شود و هر روز سلولهای جدیدی جای سلولهای مرده و قدیمی را می‌گیرد.

با این توضیح، همه ذرات بدن در حرکت و تعویض است و روح آدمی همه حرکات این ذرات را تحت کنترل دارد. حال اگر روح انسان کاملی، بر خلاف عادت (نظم عادی)، بهترین سلولها را جایگزین کند و دقیق ترین کنترلها را روی قسمتهای مختلف بدن داشته باشد، یک انسان کامل می‌تواند، میلیونها سال زنده بماند (این مطلبی است که در علم پزشکی امروز به اثبات رسیده است).

مُلاي رومی طی مثالی می‌گوید: اگر شما روز یا شبی در کنار نهر روانی که آب آن به آرامی در حرکت است، بنشینید و تصویر خورشید یا ماه را در آن ببینید، متوجه می‌شوید که صدها عکس می‌آید و می‌رود و شما همچنان خیال می‌کنید که ساعتها با عکس نخست روبه‌رو بوده‌اید، در حالی که آینه‌ها و عکسهای متعدد، هر لحظه می‌آمدند و می‌رفتند.

آب مبدل شد در این جو چند بار عکس ماه و عکس اختر برقرار[1]

این بزرگوار در جای دیگر می‌گوید:

ای برادر تو همان اندیشه‌ای ما بقی تو استخوان و ریشه‌ای[2]

بنابراین، اگر کسی روح و سلطه آن بر بدن خود را بشناسد، و سیلان، حرکات و تعویض ذرات بدن را تحت کنترل روح بداند و نیز کمی با حکمت و عرفان آشنا شود، این اشکال که چگونه یک انسان می‌تواند یک یا دو میلیون سال یا بیشتر بماند، برای او مطرح نمی‌شود. اگر پیوند روح با خالق جهان هستی به اندازه‌ای بود که قدرت خاصی ما فوق قدرت افراد عادی یافت، می‌تواند همان طور که بدن خود را می‌گرداند، خارج از بدن خود را هم اداره کند، زیرا خارج از روح او هم حکم بدن او را دارد.

وجود مبارک امیرمؤمنان(سلام الله علیه) در خطبه قاصعه نهج‌البلاغه می‌فرماید: من در حضور پیامبر اکرم‌صلی الله علیه و آله و سلم بودم که مشرکان حجاز به پیامبر اکرم‌صلی الله علیه و آله و سلم گفتند، اگر تو پیامبری معجزه‌ای (حسی) بی‌اور تا تو را بپذیریم. آنگاه گفتند: دستور بده نیمی از درختی که روبروی تو است، از نیمه دیگر جدا شود و به حضور تو بیاید. حضرت فرمود: اگر این کار را انجام بدهم، ایمان می‌آورید؟ گفتند: بلی. حضرت علی(علیه‌السلام) در ادامه می‌فرماید: من دیدم که این درخت دو نیم شد و نیمی از آن در جای خود ایستاد و نیم دیگر حرکت کرد و جلو آمد، به طوری که شاخه‌های آن روی دوش ما قرار گرفت.

مشرکان گفتند: دستور بده نیمه دیگر آن هم از جای خود حرکت کند و نزد مشرق، حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی در آستانه فرارسیدن میلاد حضرت بقیه‌الله الاعظم به چهار پرسش مهدوی پاسخ گفتند. تو بیاید. پیامبر اکرم‌صلی الله علیه و آله و سلم این کار را هم انجام دادند. بعد گفتند: دستور بده دو نیمه درخت به هم متصل شود و در جای اول قرار گیرد؛ با این همه، مشرکین باز هم ایمان نیاوردند.[3]

همه کرامات محال عادی هستند؛ نه محال عقلی که محال عقلی (مانند  $5=2*2$ ) کرامت یا اعجاز‌بردار نیست؛ به هر حال، حیات حضرت ولی‌عصر(عج) محال عادی است؛ نه محال عقلی.

4. مسئله وجود مقدس امام زمان(عج) از نظر فلسفی چگونه توجیه می‌شود؟ آیا دلیل فلسفی بر اثبات وجود آن حضرت وجود دارد؟

درباره وجود مبارک حضرت حجّت(عج) &#171؛ برهان عقلی بر امکان؛ اقامه می‌شود؛ یعنی بر اساس حکم عقل، ممکن است انسان کاملی عمر طولانی داشته باشد. ما به دیدن عمرهای کوتاه عادت کردیم. اما اگر شخصی، از همه علل و عوامل طبیعی آگاه باشد و آنچه برای او سودمند است، فراهم کند و از آنچه برای او زیانبار است بپرهیزد، می‌تواند عمر طولانی داشته باشد. این مسئله خارق عادت است؛ نه خارق عقل. معجزه هم چیزی خارق عادت است، نه خارق عقل. علم نیز به چنین چیزی راه نیافته است، زیرا علم به امور عادی راه دارد؛ نه امور غیر عادی. کرامت نیز در امور خلاف عادت جاری است.

[1] - مثنوی معنوی، دفتر ششم، بیت 3178.

[2] - همان، دفتر دوم، بیت 277.

[3] - ر.ک: نهج البلاغه، خطبه 192 (قاصعه).

[4] - الکافی، ج 1، ص 242 (باب فی شأن #171;إنا انزلناه فی لیلة القدر&raquo; و تفسیرها).

[5] - سوره اعراف، آیه 198.

[6] - سوره آل عمران، آیه 77.